

جغرافیای تاریخی اردکان (از سده‌ی هفتم تا چهاردهم ه.ق)

دکتر رمضان زین العابدینی^۱، طیبه نیک فر^۲

چکیده

شهرستان اردکان، پهناورترین شهرستان استان یزد، در شمال این استان و در قلب کویر مرکزی ایران، در مسیر بزرگراه تهران- بندر عباس قرار دارد و نزدیکی آن به کویر مرکزی در آب و هوای این منطقه تأثیر گذاشته است. این شهرستان، دارای آثار تاریخی‌ای است که قدمت برخی از آن‌ها به قرن ششم هجری برمی‌گردد؛ آثاری همچون مسجد زردگ، مسجد کچیپ، مسجد جامع شهر، مسجد زبرده، حسینیه‌ی بازار نو، منظریه و امامزاده‌هایی مثل سیدنورالدین احمد، امامزاده سید محمد و میرشمس الحق، از مهم‌ترین آثار تاریخی این شهرستان است. این مقاله بر آن است تا در بخش اوضاع جغرافیایی، وضعیت طبیعی این شهر، رودخانه‌ها به‌عنوان منابع تأمین آب این شهر و وجه تسمیه‌ی اردکان، موقعیت و محدوده‌ی جغرافیایی، وضع زمین، کوه‌ها و اردکان در منابع جغرافیایی را مورد بررسی قرار دهد. در بخش تاریخی نیز سعی شده است مطالبی همچون ابنیه‌ی تاریخی شهرستان اردکان، مشاغل، معماری، مذهب، آداب و رسوم، راه‌های اردکان، موقوفات، معادن، رجال مشهور شهر و اردکان از دیدگاه سفرنامه‌نویسان مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اردکان، ابنیه‌ی تاریخی، فرهنگ و تمدن

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، چالوس، ایران

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: زمستان ۱۳۹۰، تاریخ پذیرش: تابستان ۱۳۹۱

مقدمه

شهرستان اردکان از نظر موقعیت جغرافیایی در مکانی قرار دارد که کمتر جایی نظیر آن را جایی در ایران می‌توان یافت. زیرا اردکان، درست در مرکز ایران و در چهار راه شمال به جنوب و شرق به غرب قرار دارد.

آب و هوای مناسب برای سرمایه‌گذاری صنعتی، وجود معادن بزرگ مانند سنگ آهن، اورانیوم و غیره، این فرصت را به وجود آورده که سرمایه‌گذاران با رغبت بیشتری در این شهرستان شروع به کار نمایند.

وجود مردمان دین‌دار و سخت‌کوش کویر اردکان که با شرایط آب و هوایی سخت و خشن سازگار هستند و گویا سخت‌کوشی و همتشان، هدیه‌ی طبیعت خشک و کم باران سرزمینشان است نیز باعث گردیده که این شهر از قدیم الایام به مرکز علم و فرهنگ تبدیل گردد. چنان‌که صاحب جامع مفیدی در سال ۱۰۸۵ هجری قمری می‌نویسد:

«...این قصبه شریفه از قدیم الایام محل توطن فضلا و علما و حکما و منجمین و دانشمندان بوده و هست و اردکان در نزد اصحاب هوش به «یونان کوچک» اشتها دارد» (یافقی، ۱۰۹۰ م: ۳/۷۲۶).

فرضیه‌ی مورد نظر آن است که شهر اردکان، از شهرهای دوره‌ی تمدن اسلامی است و آثار تاریخی زیادی از آن دوره باقی مانده است.

در پی تحقیقی علمی که براساس متون تاریخی و کهن آثار باستانی و گزارش‌های باستان‌شناختی و تحقیقات میدانی محقق و مطالب شفاهی گردآوری شده از محل‌های مختلف صورت گرفته، هیچ‌گاه به‌عنوان شهری بسیار مهم یا پایتخت ثبت نشده و نمی‌توان در این راه گام برداشت.

اما اردکان را می‌توان در دوره‌های مختلف تاریخ از جنبه‌های گوناگون شایان توجهی مورد تحقیق قرار داد. از جمله بناهای تاریخی، بافت معماری، صنایع دستی، مراکز مهم اقتصادی مثل بازار و همچنین حسینیه و میدان، کاروان‌سرا، حمام و مدرسه‌ی علمیه، که سعی شده است در این نوشتار بعضی از موضوع‌های آن، مورد بررسی قرار گیرد.

اوضاع جغرافیایی

وجه تسمیه‌ی اردکان

دشت یزد - اردکان را محل پیدایش نخستین کانون‌های تمدن کاریزی در آغاز هزاره‌ی سوم پیش از میلاد ذکر کرده‌اند و اردکان را به همراه مناطق دیگری چون یزوک، مهرپادین،

فهرستان، فهرج، هرفته، میبد، زارچ، عقدا و یزد، یکی از مهم‌ترین کانون‌های اولیه‌ی تجمع انسانی در سرزمین یزد دانسته‌اند (مطالعات جامع توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی استان یزد، [بی تا]: ۹۱).

درباره‌ی واژه‌ی اردکان نمی‌توان به اظهار نظر قطعی پرداخت. از روی گمان می‌توان گفت که این کلمه ترکیبی از واژه‌ی «اُرد» و پسوند «کان» یا «گان» است.

اِردُ (erd) در لغت فُرس «دَوْر» معنی شده است و چون در اطراف و جوانب «اردکان» کوه زیاد است و به کشف معادن مس و سرب و فیروزه پرداخته‌اند، بنابراین در افواه عوام اسم این قصبه به اردکان موسوم شده است (بافقی، همان: ۷۲۶/۳).

در آیین زردشتی «اُرد» نام یکی از ایزدان است که در جهان مادی، مال و جلال و خوشی دینداران در پرتو اوست؛ در جهان مینوی پاداش کارهای نیک و سزای کارهای بد به یاری او داده می‌شود. به عبارت دیگر، فرشته‌ی «اُرت» یا «اُرد» فرشته‌ی «داد» و «دهش» و «بخشندگی» است و در تقویم اوستایی روز بیست و پنجم هر ماه «اُرد» نام دارد که به معنی خوشبختی، دارایی و خواسته است. بنابراین می‌توان «اردکان» را به معنای «سرزمین داد و دهش» خواند.

در آتشکده‌ی اردستان درباره‌ی وجه تسمیه‌ی «اردستان» چنین گفته شده که «اُرد» به معنای «غیور و خشمگین» است و «اردستان» را سرزمین مردمان غیور ذکر کرده‌اند و بر این شیوه می‌توان اردکان را جایگاه چنین مردمی معرفی کرد.

موارد دیگری نیز گفته‌اند که عقل سلیم نمی‌پذیرد و بهتر این است که قول مؤلفان جامع مفیدی و کاروند را بپذیریم و بر سایر اقوال ترجیح دهیم.

در این صورت اگر آن را «جایگاه معادن» یا «سرزمین داد و دهش» بخوانیم، سخنی به‌گزارف و دور از انصاف نگفته‌ایم. زیرا مردم این خطه در درستی و یکرنگی و صفا و رعایت انصاف و معدلت، از دیر زمان مورد ستایش بوده‌اند و به همین سبب نیز، در این سرزمین امنیت و آسایش برقرار و خودی و بیگانه از این نعمت برخوردار بوده‌اند (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۵۰-۵۲).

اردکان از دو کلمه‌ی ارد و کان تشکیل شده: ارد به فتح الف به معنای مقدس، و کان به معنای معدن است که با این ترکیب، اردکان جایگاه مقدس یا معدن زهد معنا می‌شود و از آنجا که از بدو پیدایش محل زندگی علما و دانشمندان سرشناس بوده است، این نام‌ها مسمای حقیقی پیدا می‌کند.

همچنین در زبان پهلوی ارد به معنای خشم و دلاوری است که اردشیر به معنای خشم شیر و یا شیر خشمگین و دلاوری است [۱۹] (قهرمانی، ۱۳۷۵: ۲۲۳). [که البته این نظر سندیت علمی ندارد، زیرا از گونه‌ی وجه تسمیه‌های عامیانه و سطحی است. «اردشیر» در واقع دگرگونی پذیرفته‌ی واژه‌ی پارسی باستان «ارته خستره» و به معنای «شهریاری مقدس» است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۱/۳۵).

موقعیت و محدوده‌ی جغرافیایی

شهر اردکان، مرکز شهرستان اردکان، از شهرستان‌های استان یزد و در ۶۰ کیلومتری شهر یزد و در ۱ درجه و ۵۴ دقیقه‌ی طول جغرافیایی و ۱۹ درجه و ۳۲ دقیقه‌ی عرض جغرافیایی و در بلندی ۱۰۳۳ متری از سطح دریا قرار دارد (سعیدیان، ۱۳۸۳: ۱۰۹). این شهرستان، در شمال استان و در قلب کویر مرکزی ایران، در مسیر بزرگراه تهران- بندرعباس قرار گرفته است. این شهرستان، از طرف شمال و شمال غربی به ناحیه‌ی کویر جندق و دشت طبس و نائین، و از طرف مشرق و جنوب شرقی به کویر مرکزی ایران و شهرستان یزد، و از طرف جنوب و مغرب به شهرستان میبد و باتلاق گاوخونی و کوه‌های منفرد کوتاه کویری، محدود می‌شود.

وضع زمین

این شهرستان از نظر طبیعی به دو بخش جداگانه تقسیم می‌شود:

الف. ناحیه‌ی دشت رسوبی

این ناحیه بین کوه‌های ندوشن در غرب، «دنباله‌ی شیرکوه» و خرائق در شرق و همچنین در فاصله‌ی کوه‌های خرائق تا رباط پشت بادام، قرار گرفته و دارای آب و هوای صحرائی، با زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم و خشک است. اختلاف درجه‌ی حرارت در اینجا زیاد و فرسایش طبیعی موجب خرد شدن سنگ‌ها و ایجاد ماسه‌زارها گردیده است. آب مصرفی اهالی از طریق چاه و قنات تأمین می‌گردید (رضویان، ۱۳۶۱: ۱/۵).

ب. بخش کوهستانی

این ناحیه دارای ییلاق‌های زیاد و آب و هوایی نیمه صحرائی با زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های ملایم است. منطقه‌ی کوهستانی شهرستان اردکان، علاوه بر کوه‌های غربی «ندوشن»، شامل کوه‌های خرائق و رباط پشت بادام نیز می‌شود. چشمه‌ها و قنات‌ها منابع اصلی تأمین آب در این بخش به‌شمار می‌روند (همان، ۱/۶).

کوه‌ها

عمده‌ترین کوه‌های این منطقه عبارت‌اند از:

کوه‌های ندوشن در مغرب این شهرستان که بلندترین قله‌ی آن ۲۷۷۵ متر ارتفاع دارد. کوه‌های خرانق در شمال شرقی این شهرستان ۳۱۵۸ متر ارتفاع بلندترین نقطه‌ی آن است.

دنباله‌ی شیرکوه به‌صورت کوه‌های منفرد و کم ارتفاع در جنوب این شهرستان به چشم می‌خورد که اهالی آن را کوه قبله یا پل دختر می‌نامند.

کوه چاه افضل «شاه افضل» در دهستان چاه افضل واقع شده است و از نظر ارتفاع چندان اهمیتی ندارد.

کوه چک چک در شرق با ارتفاع ۲۷۴۵ متر قرار دارد که معبد زرتشتیان به نام پیرسبز در این کوه واقع شده است.

کوه هریشت در شمال غربی اردکان با ارتفاع ۱۹۳۹ متر واقع شده است و زیارتگاه‌های زرتشتیان به همین نام در این کوه قرار دارد و در ضلع شرقی آن چند سنگ آب وجود دارد که در فصل زمستان و بهار از آب باران پر می‌شود و در تابستان آب مصرفی گوسفندان کوهی و پرندگان را تأمین می‌نماید.

کوه انار در غرب و شمال غرب رباط پشت بادام قرار دارد و دنباله‌ی این کوه‌ها از سمت شمال تا جنوب کویر حاجی آباد امتداد می‌یابد (سپهری اردکانی، ۱۳۶۴: ۳ و ۲).

رودخانه‌ها یکی از منابع تأمین آب

در این شهرستان به‌علت خشکی فوق‌العاده هوا و کمبود نزولات جوی، در هیچ نقطه‌ای رودخانه‌ی دائمی وجود ندارد و تمام رودخانه‌های آن فصلی است که فقط در زمستان و مواقع بارندگی مقدار کمی آب دارند. این رودخانه‌ها به علت شیب زیاد و این که آب آن‌ها از باران‌های فصلی تأمین می‌شود، گل و لای بسیار همراه دارند، پاره‌ای رودها در فصل باران سیلابی می‌شوند و خساراتی به بار می‌آورند. عمده‌ترین این رودها عبارت‌اند از:

۱. رودخانه‌ی غفورآباد که از طرف شریف آباد و الله آباد سرچشمه می‌گیرد و در زمستان گاهی با بستن جلو این رودخانه زمین‌های مزروعی را آبیاری می‌کنند.

۲. رودخانه‌ی شهری که از کویرهای اطراف حاجی آباد و جاده‌ی قدیم یزد - اردکان سرچشمه می‌گیرد.

۳. رودخانه‌ی بفرئیه که از زمین‌ها و تپه‌های اطراف حسن آباد سرچشمه می‌گیرد و آب آن به‌علت این‌که از کویر عبور نمی‌کند، شیرین است و در فصل زمستان گاهی طغیان می‌کند و به زمین‌های اطراف خساراتی وارد می‌آورد.
۴. رودخانه‌ی چک‌چک که مسیر سیلاب‌های کوه‌های اطراف چک‌چک است و در دو طرف آن درخت‌های انجیر کوهی زیادی روییده است و بسیار سرسبز و خوش منظره می‌باشد و این رودخانه در نوع خود در منطقه‌ی اردکان نظیری ندارد.
۵. رودخانه‌های شور و شورآب دو رودخانه‌ای هستند که در قسمت شرقی اردکان قرار دارند و به داخل کویر در انجیر می‌ریزند. وجه تسمیه‌ی آن‌ها به‌علت شوری آبشان است.
۶. رودخانه‌ی کلوت که در کلوت چاه پلنگ قرار دارد و از شمال به جنوب امتداد می‌یابد، تقریباً آب آن دائمی و به‌علت عبور از نمکزارهای منطقه بسیار شور است و به همین دلیل کف رودخانه از بلورهای نمک به قطر دو الی سه سانتی متر پوشیده است و این بلورها، جلوه‌ی خاصی به این رودخانه داده‌اند که در منطقه کم‌نظیر است. همچنین در ابتدای کلوت رودخانه‌ی دیگری وجود دارد که از شرق به غرب کشیده شده و آب‌های قسمت غربی منطقه را به گودال سیاه کوه منتقل می‌کند.
۷. رودخانه‌ی خرائق که پس از عبور از کنار خرائق در محل دو کالی به دو قسمت تقسیم می‌گردد و یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های اردکان است و تقریباً همه ساله سیلاب در آن جاری می‌گردد.
۸. رودخانه‌ی پتکستان که در نزدیکی روستای پتکستان قرار دارد، از درختان شوره و گز پوشیده شده است و در اکثر فصول مختصر آب شوری در آن جریان دارد. دیگر رودخانه‌های اردکان عبارت‌اند از: توت، درند، انجیرآوند، زر جوع، ارموده... (شفیعی، [بی‌تا]: ۷۲).

اردکان در منابع جغرافیایی

- در فرهنگ جغرافیایی ایران در تقسیمات استان اصفهان در سال ۱۳۲۸ ه.ق، غیر از اردکان یزد، به دو دهستان دیگر به همین نام برمی‌خوریم:
۱. اردکان، دهی از دهستان گرکن، بخش فلاورجان شهرستان اصفهان که ۲۶ کیلومتر تا فلاورجان فاصله و حدود ۵۰۰ تن سکنه دارد (سال ۱۳۲۸ ه.ش) و آب آن از رودخانه تأمین می‌شود و محصولات عمده‌ی آن غلات و شغل اهالی زراعت است.

۲. اردکان، دهی از دهستان گرکن، بخش فلاورجان شهرستان اصفهان، ۲۰ کیلومتری خاور فلاورجان که حدود ۸۴۶ تن (سال ۱۳۲۸ ه.ش) سکنه دارد و مذهب آن‌ها شیعه و زبان ایشان فارسی است.

اما در استان فارس نیز، نام یکی از بخش‌های آن اردکان است که امروزه سپیدان خوانده می‌شود و تقریباً در شمال باختری شیراز واقع و حدود آن به قرار زیر است:
از شمال به شهرستان آباده و بخش سمیرم شهرستان اصفهان؛ و از باختر به بخش فهلیان و ممسنی. از خاور به بخش زرقان و از جنوب به شهرستان کازرون؛ که هوای آن معتدل مایل به سرد و آب مشروب زراعتی اهالی از رودخانه‌ی شش پیر و چشمه و قنات تأمین می‌شود و مختصات جغرافیایی آن بدین شرح است:

طول ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه و عرض آن ۳۰ درجه و ۲۱ دقیقه و ارتفاعاتش از سطح دریا ۲۲۱۲ متر است. دلیل تشابه نام‌ها بر ما معلوم نیست و غالباً پژوهندگان در انتساب افراد به این شهرستان دچار مشکل می‌شوند و برای رفع آن، در استان فارس، سپیدان را به جای آن نشانده‌اند (رزم‌آرا، ۱۳۲۸: ۷/۸؛ خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۶۶-۶۷/۲). اردکان: بنابه روایت جوینی، نام یکی از قراء و قصبات طالقان است (جوینی، ۱۳۸۵: ۳۶۹/۳؛ دزفولیان، ۱۳۸۷: ۵۴).

مشاغل

شغل اکثر مردم اردکان، کشاورزی، و عمده‌ی محصولات این محل، انار، رونس، پنبه دانه، پسته، چغندر، شلغم، هویج، گندم و جو بوده است و حتی تنباکو و خشخاش نیز کشت و در باغ‌های جنوب اردکان، صیفی‌جاتی مانند زردآلو، آلوچه، هلو و توت به مقدار فراوان تولید می‌شده است و در فصل تابستان هندوانه و خربزه‌ی تولیدی اردکان، نیاز مردم را مرتفع می‌نموده؛ مخصوصاً خربزه‌ی اردکان که به‌علت نازکی پوست و شیرینی از شهرت خاصی برخوردار بوده است.

شغل اکثر زنان اردکان کرباس‌بافی بوده است و نخ کرباس‌بافی را معمولاً از هند می‌آورده‌اند و به هندی مشهور بوده است. اما نخ پنبه‌ی خود اردکان نیز شایان توجه بوده است و در فصل زمستان بیش از ۱۰۰ کارگاه حلاجی در اردکان وجود داشته و معمولاً زنان کرباس باف، نخ را با چرخ‌های دست‌ساز خودشان می‌رشته‌اند و کرباس‌های تولیدی، علاوه بر تأمین لباس‌های مردم، مقدار زیادی نیز صادر می‌گردیده است و نزدیک به ۱۰ کارگاه رنگرزی مشغول به کار رنگ‌آمیزی پارچه‌ها بوده است و پیراهن‌های مردان معمولاً سفید یا آبی بوده و قبای مردان بیشتر آبی و کمی هم سرمه‌ای رنگ بوده است و شلوار مردها معمولاً

مشکی و برای جوان‌ها و نوجوان‌ها پیراهن‌های چهارخانه که از نخ مرسریزه (نوعی نخ مخصوص کرباس‌بافی) بافته شده بود، تهیه می‌شده است.

از دیگر تولیدات صنعتی اردکان، زنجیر و منقل بوده که زنجیرسازان اردکانی، بازار بزرگی به خود اختصاص داده بودند و در وبای سال ۱۳۳۶ هجری قمری اکثر آن‌ها در گذشتند. همچنین حدود ۱۰ کارگاه منقل‌سازی، ۱۰ کارگاه چلنگری، چندین مازاری (کارگاه سنتی برای تبدیل ریشه‌ی گیاه روناس به گرد روناس که برای رنگرزی مورد استفاده قرار می‌گرفت) برای خرد کردن روناس و ۱۰ کارگاه نجاری و چندین کارگاه عساری و خراطی و حلواسازی وجود داشته است. قندریزی یکی از دیگر مشاغلی بود که رونق فراوان داشت و قنادان اردکان برای تهیه‌ی قند، زحمات زیادی متحمل می‌شدند و حدود ۱۵ روز طول می‌کشیده است تا قند تهیه شود.

زیلوبافی و لبافی و سرامیک‌سازی و کوزه‌گری نیز کم و بیش رواج داشته و میدان قلعه، مرکز کوزه‌گری محسوب می‌شده است و مشاغل دیگری نظیر روغن‌گری و پینه‌دوزی و بقالی و عطاری و هیزم‌شکنی و زغال‌سوزی و... نیز رواج داشته است، و انواع آجر و گچ و آهک نیز تولید می‌شده است (افشار یزدی، ۱۳۷۶: ۱۱۱).

معماری

بنایی و معماری یکی از مشاغل عمده‌ی مردم اردکان محسوب می‌گردید و بنّایان و معماران اردکانی از دیرباز در استفاده از خشت و گل زبازند خاص و عام بوده‌اند. نمونه‌ی بارز آن، پوشش تالارهایی با عرض بیش از ۸ متر و آب انبارهایی با قطر بیش از ۱۰ متر است. گنبد بزرگ مسجد جامع، همه از خشت و گل می‌باشد و از بناهای معروف آن، مسجد حاجی سعیدا و مسجد حاج رجبعلی، حمام زیبای مردانه و حمام زنان‌ی چرخ‌آب، حمام زنانه و مردانه‌ی حاج ملا حسن، سردر منزل صدر الفضلا و سردر منزل حکیم باشی و بادگیر منزل آقای انصاری و ده‌ها آب انبار را می‌توان نام برد که همه نشانگر مهارت بنّایان و معماران اردکانی است (افشار یزدی، همان: ۱۱۲).

دین و مذهب

دین بیشتر مردم اردکان اسلام و مذهب آنان شیعه‌ی اثنی‌عشری است، البته مذهب تسنن نیز در میان مهاجران افغانی رواج دارد. در اردکان عبادتگاه‌ها و مکان‌های مقدس دین

زرتشتی نیز به چشم می‌خورد و تعدادی از ساکنان این شهر نیز زرتشتی هستند. نمونه‌ای از پرستشگاه‌های آنان به شرح زیر است:

پیران شریف آباد

شریف آباد واقع در نزدیکی اردکان یزد، یکی از دیه‌های زرتشتی‌نشین یزد است و غیر زرتشتی کسی در این دیه سکونت ندارد. در چند سده‌ی گذشته، موبدان دانشمند در این دیه می‌زیستند و چندین نامه از زرتشتیان یزد که به زرتشتیان هند نوشته شده است، با امضای موبدان اینجاست. زرتشتیان این دیه سخت دیندار و به سنن دینی و باستانی پای‌بند هستند (شهمردان، ۱۳۳۶: ۱۹۸).

ترک آباد، مرکز دینی زرتشتیان

به قول تاریخ‌نویسان یزد، قسمت‌های آباد کنار یزد که همان کثنویه بوده، در مواقع مختلف، به تدریج به شهر وصل و محصور گردیده، زیرا قسمت‌های دیگر بایر و خشک بوده است. پس از تبدیل آتشکده‌ی ورهرام به مسجد، بخش مهمی از کثنویه نیز به شهر ملحق شد و به تدریج موبدان جماعت که مقیم کثنویه بودند، به اطراف پراکنده شدند و پس از احداث ترک آباد در حدود سال ۷۵۰ هجری قمری، آنجا را اقامتگاه خود ساختند و آتش مقدس را هم با خود به آنجا بردند و ترک آباد مرکز دینی زرتشتیان و نشیمنگاه دستوران دستوران ایران گردید. نامه‌های زرتشتیان به هند که از سال ۸۳۷ یزدگردی شروع شده و به امضای موبدان موبد رسیده، از اینجاست (همان: ۱۹۹).

پیر هریشت

هریشت، در یازده کیلومتری اردکان و بر دامن کوه‌های پستی واقع است. این کوه‌ها خشک و بی‌علف‌اند. به دلیل اعتقادی که زرتشتیان به غیبت یکی از کنیزان بانوی یزدگرد در آن محل دارند، برای زائران چند دستگاه ساختمان مسکونی و سه آب انبار در آنجا ساخته شده است و هر سال روز هیجدهم نوروز، برای زیارت بدین محل می‌آیند و بیتوته می‌کنند (افشار یزدی، همان: ۶۰).

چکچکو یا پیرسوز

محلی است در کوه‌های بین اردکان و انجیره، که از یزد هشت فرسنگ فاصله دارد و به دلیل ریزش مختصر آب از کوه‌های سنگی سخت و بریده (چک‌چک) به چکچکو موسوم است.

زرتشتیان به آن اعتقاد می‌ورزند و مقدسش می‌شمارند و برای ایامی که به زیارت می‌روند، در آنجا بناهای متعدد مرفهی ساخته‌اند. چون این محل، در میان و بلندی کوه قرار گرفته است، دو رشته کوه زیبا دارد و راه رسیدن به آنجا ده تاست. راه اصلی، از نزدیک اردکان جدا می‌شود. زرتشتیان این محل را پی‌رسوز می‌خوانند و روز سوم تا دهم تیرماه برای زیارت و نذرهای خود به آنجا می‌روند و مخصوصاً گوسفند ذبح می‌کنند. در این محل نیز، مانند پیرهریشت، ساختمان‌ها و آب انبارهایی ساخته‌اند که قدیمی‌ترین آن‌ها، در عهد ناصرالدین شاه بنا شده است (همان، ۶۳).

دخمه‌ی ترک آباد

دخمه‌ی انجمن، سه عدد می‌باشد ولی مستعمل نیست، زیرا که زرتشتیان از آنجا رخت بر بسته‌اند. یکی از آن‌ها هنوز به حال ویرانه است (شهمردان، همان: ۲۶۶). به گفته‌ی پروفسور جکسن استاد دانشگاه کلمبیا که در سال ۱۹۰۳ میلادی از ایران دیدن کرده، درباره‌ی این دخمه نوشته است: در ده زرتشتی نشین شریف آباد، در ناحیه‌ی اردکان، دخمه‌ای قدیمی با دیوارهای گلین وجود دارد و بنابر داستانی که در میان مردم شایع است، هفت خواهر نیکوکار در نقاط مختلف دشت، هفت دخمه ساختند و محل این دخمه‌ها، هنوز به صورت پشته‌هایی از سنگ و خاک نمودار است که پارسیان سالخورده‌ی شریف‌آباد، آن‌ها را به مردم نشان می‌دهند (ویلیامز جکسن، ۱۳۵۲: ۴۵۵).

پارس بانو

زیارتگاه پارس بانو، متعلق به زرتشتیان، در انتهای دره‌ی زر جوع، بر دامنه‌ی کوهی قرار گرفته است و همه ساله از بیستم تا بیست و پنجم تیرماه، زرتشتیان سراسر ایران، برای زیارت به این مکان می‌آیند.

ساختمان پیر تشکیل شده است از یک گنبد به قطر ۴ متر و ارتفاع ده متر و یک اتاق به طول و عرض ۶×۸ متر که دور تا دور آن سکوهایی تعبیه شده است. گنبد پیر، در سال ۱۳۵۱ هجری قمری کاشی کاری شده است و در محل غیبت پارس بانو، سنگ سیاهی به طول یک متر و عرض هشتاد سانتی‌متر قرار دارد و قسمت فوقانی آن نیز سنگ کوچک‌تری است که نشانه‌ی غیبت فرزندش است (شهمردان، همان: ۱۶۶).

اشکفت یزدان و آتشکده‌ی احمدآباد و دخمه‌ی شریف آباد، از دیگر آثار دین زرتشت در این شهرستان است.

آداب و رسوم

مراسم دختربایی

در قدیم، هنگامی که در میدان‌ها (تکیه‌ها) تعزیه می‌گرفتند و زن و مرد، دختر و پسر و پیر و جوان، برای تماشا شرکت می‌کردند، زنی دختری را در نظر می‌گرفت. زن‌های رعیت و کشاورز و کسبه، در کف میدان که مفروش بود می‌نشستند، یا قبلاً به زنی پول می‌دادند، تا جای مناسبی برای آن‌ها تدارک ببیند. طریقه‌ی دختربایی در بین این سه گروه چنین بود که معمولاً زنی دختری را در میان جمع می‌دید و زیر نظر می‌گرفت (افشار یزدی، همان: ۳۴۰).

خواستگاری

پس از این که مادر داماد، دختر دلخواه را می‌پسندید و رضایت پسر نیز جلب می‌شد، دو زن که از بستگان نزدیک وی بودند، به عنوان دلاله (واسطه) به خانه‌ی دختر می‌رفتند و بعد از تعارفات رایج، می‌گفتند: «ما آمده‌ایم خواستگاری دختر شما. اگر قبول می‌کنید، می‌خواهیم پسرمان نوکر شما باشد!» مادر دختر بعد از تعارفات مرسوم می‌گفت: «بسیار خوب! فردا بیایید خبر بگیرید باید با پدر او نیز صحبت کنم». روز بعد، دلاله برای خبر گرفتن به خانه‌ی دختر می‌رفت و اگر جواب مثبت بود، مادر عروس می‌گفت: «قبول است»؛ و اگر جواب منفی بود، می‌گفت: «دختر ما هنوز کوچک است!» یا «طلبیده‌ی فلانی است»؛ یا «قابل شما را ندارد»؛ و از این قبیل عذر و بهانه‌ها می‌آورد و دست رد بر سینه‌ی خواستگار می‌زد (همان، ۳۴۱).

بله‌بران (مهربران)

اگر جواب خانواده‌ی دختر مثبت بود، در جواب دلاله (واسطه) گفته می‌شد: «دختر ما کنیز شماست»؛ و یک یا دو روز پیش از مهربران به خانواده‌ی عروس خبر می‌دادند که فلان شب برای مهربران خواهیم آمد (همان‌جا).

سینی بردن

شب بعد از مهربران، سینی می‌برند و معمولاً هفت-هشت سینی بزرگ تهیه می‌کنند و در هر کدام آنچه را که باید، می‌گذارند و در حالی که پیشاپیش سینی‌ها آینه و قرآن حمل می‌شود، آن‌ها را به خانه‌ی عروس می‌برند. رایج است که آینه را یک جوان دلشاد و با نشاط،

یا کسی که تازه داماد شده و سرور است، پیشاپیش سینی‌ها می‌برد. سینی را حتماً در شب می‌برند و عقد ازدواج نیز در شب انجام می‌شود.

سپس به هر یک به طور نقدی انعام می‌دهند، یا این که بعد از انجام عقد و ازدواج، خانواده‌ی عروس، برای هر کدام خلعتی می‌فرستد که شامل یک دست لباس است (همان، ۳۴۲).

عقدکنان

برای عقد، خانواده‌ی داماد به خانه‌ی عروس می‌روند و زنان و مردان در اتاق‌های جداگانه می‌نشینند. زن‌ها بلافاصله برای خود بساط طرب و شادی برپا می‌کنند و مادر شوهر و خواهر شوهر به همراه تنی چند از زن‌ها، به اتاقی که عروس در آن نشسته است می‌روند و او را می‌آورند. هنگام عقد، عاقد با عده‌ای از مردان برای بله گرفتن از عروس، به اتاق زن‌ها می‌آید. قبلاً تمام دکمه‌ها و گره‌های لباس عروس را که روی زمین نشسته است می‌کشایند تا هنگام عقد بختش بسته نشود، زیرا عقیده دارند که هرگاه موقع عقد نخ‌ها را گره بزنند، بخت عروس و داماد بسته می‌شود.

عاقد پس از ایراد خطبه‌ی عقد، عروس را مخاطب قرار می‌دهد و صورت مهریه‌ی او را با صدای بلند قرائت می‌کند. شهود هم که در آنجا حاضرند، ناظر بر جریان بله گرفتن از عروس هستند.

مهریه‌ی عروس به طور معمول به شرح زیر است:

یک جلد کلام الله مجید، یک دانگ خانه، دو دشت باغ، سه اصله درخت پسته، دو مثقال طلا، بیست مثقال نقره، یک تخته قالی، یک دست لباس، سه من مس.

زن سفید بختی دو کله قند برمی‌دارد و بالای سر عروس می‌ایستد و دو زن دیگر پارچه‌ی تور سفیدی در بالای سر او نگاه می‌دارند. زن اوّل شروع به ساییدن قند می‌کند و چنین می‌خواند: «مِسْوَام و مِسْوَام».

زن‌ها می‌پرسند: چه چی مسویی؟ زن می‌گوید: عروس و دوما هم مسوام و به‌عنوان نمونه، می‌گوید: «مریم خانم و احمدآقا را هم مسوام»، یا «مهر و محبت مسوام»؛ و بعد از این که ساییدن قند به پایان رسید، زن‌ها هر کدام انگشتی از ساییده‌ی آن را برمی‌دارند و می‌چشند؛ عقیده دارند که این شیرینی سبب دلشادی و سرور می‌شود و تا چهل روز دلشاد و با نشاط خواهند بود.

سپس، زنی در حالی که نخ و سوزن در دست دارد، پیش می‌آید و گوشه‌ی دامن عروس را می‌گیرد و وانمود می‌کند که مشغول دوختن است. زن‌ها از او می‌پرسند: «چه چی مدوزی؟» در جواب می‌گوید: «مهر و محبت مدوزم» (همان، ۳۴۳-۳۴۵).

غذاهای محلی

آش شولی

شولی یکی از آش‌های مخصوصی است که برخلاف نامش، از آن به‌عنوان غذا نیز استفاده می‌شود و خاص ولایت یزد و اردکان است (همان، ۳۸۸).

آش گندم و ارده

مخلوط گندم و نخود و گوشت را در دیگ می‌ریزند و می‌پزند. برای این که گندم ته نشین نشود و به دیگ نچسبد، آن را مرتب به هم می‌زنند. پس از پخته شدن مواد، پیاز داغ و دارچین به آن می‌افزایند. گاه ارده نیز، به این آش اضافه می‌کنند (همان، ۳۸۹).

وقف و موقوفات

موقوفات مسجد زیرده اردکان (سفلی)

این مسجد که پس از گسترش و تجدید بنا، بافت قدیمی آن از بین رفت، از قدیمی‌ترین مساجد اردکان بود و موقوفات فراوان داشت.

سید محمود طباطبایی در کتاب فرهنگ عامه اردکان در این باره چنین نگاشته است: از پدرم، مرحوم حاج سید حسین طباطبایی واعظ (معروف به آقا جلال) شنیدم که اصل وقف‌نامه را نزد مرحوم آخوند ملاعلی حاج آخوند، والد مرحوم محقق سردفتر، دیده بود که روی کاغذ آبی رنگ نوشته شده و پشت آن را به پارچه چسبانده بودند. بعضی رقبات آن را این گونه برشمرده‌اند:

پنج قفیز زمین امیری، واقع در کشتخوان امیری که تا مدتی پدرم تولیت آن را برعهده داشت و سپس به آقای احمد احمدی (احمد حاج محمد ابراهیم)، خادم مسجد مذکور، واگذار کرد. قسمت دیگری از موقوفات مسجد زیرده، به نقل از شیخ احمد احمدی، چنین بوده است: چند قطعه زمین کشتخوان، برای مصرف شیرینی (نقل) شب نیمه‌ی شعبان، یک قطعه زمین پسته زار در امیری که وقف مصرف شیرینی در روز عید سعید غدیر بود (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۲۱۶-۲۱۷).

وقف قنات علی آباد

...حاجی ملک افضل نیز به اردکان تبعید گردید، وی در این شهر تشکیل خانواده داد و ثمره‌ی ازدواجش چند فرزند بود، از جمله حاجی محمد هاشم که قنات علی آباد هاشمی را احداث نمود و در سال ۱۲۱۴ هجری قمری قنات مزبور را وقف نمود تا در روزهای عید فطر و نوروز و روز عاشورا، برای مساکین غذا تهیه نمایند (همان، ۲۱۸).

وقف آب انبار دو راه

این آب انبار در جنب بازار قدیم، در محله‌ی بازارنو و جنب تیمچه واقع شده است (همان‌جا).

راه‌ها

شهر اردکان تا اواخر دوره‌ی قاجار در مسیر راه اصلی قرار نداشت و پس از احداث راه شوسه در سال ۱۳۰۹ هجری قمری، این شهر در مسیر راه قرار گرفت، به طوری که راه شوسه تقریباً از وسط شهر عبور داده شد و این امر باعث به‌وجود آمدن تحولات اجتماعی و اقتصادی زیادی گردید. نشریه‌ی خبری - پژوهشی دانشگاه یزد در مورد این تحولات چنین نوشته است:

اردکان به خاطر قرار گرفتن در کنار راه سراسری تهران - بندرعباس از توسعه‌ی ناشی از این شاهراه ارتباطی کاملاً بهره گرفته است. از جمله می‌توان، به توسعه‌ی بخش ارتباطات اشاره نمود؛ به طوری که کلیه‌ی ارتباطات تجاری - مسافری بندرعباس به تهران، یزد به تهران، اصفهان به یزد، مشهد به اصفهان، باید از شهرهای اردکان و نائین عبور کند که خود، علاوه بر ادامه‌ی نقش ارتباطی به این شهرها، موجب توسعه‌ی اقتصادی آن‌ها گردیده است... . اردکان با داشتن بیست و شش درصد وسائط نقلیه‌ی سنگین، پس از یزد و مهریز، مقام سوم را احراز کرده که عمدتاً بر اثر تأثیر راه و ارتباط ناشی از آن حاصل گردیده است (نشریه‌ی خبری - پژوهشی دانشگاه یزد، آذرماه ۱۳۷۲: ۳۲).

صنایع دستی

از نظر صنایع دستی، اردکان در ایران مقام بالایی داراست و قالی‌های بافت این شهرستان، بیش از آنچه در ایران معروف باشد، شهرت جهانی دارد و فرش بافان اردکان در بافت قالی‌های پشمی، کرکی و ابریشمی کارآزموده و بسیار ماهرند و از لحاظ صادرات، این شهرستان در زمره‌ی دومین یا سومین شهر بزرگ تولیدکننده‌ی فرش در ایران محسوب می‌گردد (سپهری اردکانی، ۱۳۶۴: ۱۱۹).

پس از قالی، دومین اثر دستباف معروف اردکان، زیلوست که در نوع خود کم نظیر است و زیلوهایی که در حاشیه‌ی آن نوشته دارد، از شهرت خاصی برخوردارند. از دیگر کارهای دستی این شهر در گذشته کرباس‌بافی بوده که امروزه شغل عمده‌ی زنان سالخورده‌ی اردکان محسوب می‌شود.

چادر شب‌بافی یا کرباس‌بافی، صنعتی است خانگی که در یزد، اردکان و بخشی از زارچ معمول است و مواد اولیه‌ی آن نخ پنبه‌ای، نخ ویسکوز، مواد رنگی و نشاسته است (قهرمانی، ۱۳۰: ۷۵).

خورجین‌بافی (لبافی)، بر روی دارهای عمودی و شبیه زیلو با نقش کمتری بافته می‌شود و ماده‌ی اولیه‌ی خورجین نخ پنبه‌ای می‌باشد و بافت خورجین از قدیم به‌عنوان وسیله‌ای برای حمل بار در شهرهای اشکذر و اردکان معمول بوده است (همان، ۱۸۹).

مهم‌ترین معادن اردکان

معدن اورانیوم

این معدن در نزدیکی ساغند وجود دارد و از سال ۱۳۶۱ هجری قمری، با حفر نخستین چاه، کار اکتشاف این ماده‌ی ارزشمند در این منطقه رسماً آغاز گردیده و در حال حاضر ذخیره‌ی قطعی آن بیش از ۳۰ هزار تن اورانیوم و ۴۰ هزار تن مولیبدن است و علاوه بر این، عناصر نایاب دیگری که در تکنولوژی «فوق هادی‌ها» کاربرد وسیعی دارد، مشاهده شده است (روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۱۰/۳: ۵).

معدن سنگ آهن چادرملو

این معدن در ۴۵ کیلومتری روستای ساغند، از توابع بخش خرائق اردکان، در ارتفاع ۱۵۰۰ متر از سطح دریا، واقع گردیده است و موقعیت جغرافیایی آن ۳۲ درجه و ۱۷ دقیقه شمالی و ۵۵ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی است. این معدن در سال ۱۲۹۰ هجری قمری کشف گردیده، در سال ۱۳۴۲ هجری قمری توسط شرکت ملی ذوب آهن سابق، با حفر ۲۳۲۸ متر تونل «به قطع پنج متر مربع»، ۲۷۴ متر چاه و دو پل و ۱۳۶۴ متر ترانشه در چهار توده‌ی معدنی انجام شد و سپس در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ هجری قمری اکتشافات تکمیلی طرح مطالعات این معدن، در سال ۱۳۶۳ هجری قمری، به‌عنوان یک طرح مستقل مطرح شده و شروع به کار نموده است و می‌بایست براساس برنامه‌ی زمان‌بندی شده، چهار فاز عملیاتی را طی نماید. به طوری که برای تأمین مواد کارخانه‌ی فولاد مبارکه‌ی اصفهان، سالیانه ۵ میلیون

تن سنگ آهن استخراج و پس از تولید کنستانتتره بارگیری می‌شود (شریه مجتمعی معدنی سنگ آهن چادرملو، ۱۳۸۴: ۹۴).

دیگر معادن شناخته شده در اردکان به شرح ذیل است:

سرب و روی، طلا و تنگستن، باریت، سیلیس، منگنز، لاتریت، بنتونیت، فلدسپات، سنگ آهک، مس، مرمر، سنگ چینی، گچ، نمک طعام، زغال، فسفات، بوکسیت در شرق دربید، آلیژیست در شمال اردکان، میکا در چادرملو، زاج سیاه در ساغند، خاک سرخ در هامانه و...

رجال مشهور اردکان

آنچه از متون تاریخی برمی‌آید، نشانگر این حقیقت است که اردکان در طول تاریخ کوتاهش همیشه مرکزی برای فضلا و مأمینی برای دانشمندان به شمار می‌رفته و کمتر زمانی می‌توان یافت که اردکان خالی از وجود علما و دانشمندان بوده باشد.

از آن جمله شاعران و اندیشمندانی همچون: شیخ تقی الدین دادا محمد، استاد سید احمد اردکانی، قاضی‌الدین اردکانی، گلشن اردکانی، ادایی بفرویی، شیخ عبدالکریم حائری، مجد العلماء، شیخ محمود فرساد اردکانی، آیت‌الله فاضل اردکانی، آیت‌الله العظمی داماد، حسین محبوبی اردکانی، شیخ عبدالرسول سپهری اردکانی، ملک افضل اردکانی، آیت‌الله فکور، سلطان العلماء، صدرالفضلا، سید محمدصادق طباطبایی، ملا محمدعلی اردکانی (فاضل نحوی)، حاج میرزا علیرضا اردکانی، حاج سید اسماعیل اردکانی، حاج سید محمدرضا خاتمی (والد محترم آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی)، آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی، حجة الاسلام بهجتی (شفق)، سید محمد خاتمی، رضا داوری اردکانی و... بوده‌اند (سپهری اردکانی، همان: ۱۹۱ - ۳۱۵).

اردکان از دیدگاه سفرنامه‌نویسان

سفرنامه‌نویسانی چون: صفاء السلطنه نائینی در *تحفة الفقرا*، آبراهام ویلیامز جکسن در کتاب *ایران در گذشته و حال*، حاج محمد علی سیاح محلّاتی در کتابی تحت عنوان *خاطرات حاج سیاح*، ژنرال سایکس در کتاب ده هزار میل در ایران (بیست سال در کشور شاهنشاهی)، علی اصغر مهاجر در کتاب *زیر آسمان کویر* (مهاجر، ۱۳۳۹: ۱۶۷) که دست آورد یک دوره مسافرت نویسنده به منطقه بوده و آن را به صورت سفرنامه نوشته و وضع منطقه، مخصوصاً بخش خرائق را روشن کرده است، در تألیفات خود از اردکان نام برده‌اند.

از جمله ژنرال سرپرسی سایکس در سال ۱۹۰۲ میلادی، مطابق با ۱۲۸۱ هجری شمسی، به ایران مسافرت کرده و شرح آن مسافرت را در کتابش به رشته‌ی تحریر درآورده است، که در ایران آن را *سفرنامه‌ی سایکس* نامیده‌اند. سایکس در سفرنامه‌ی خویش، هنگام عبور از اردکان چنین می‌نویسد: ... روز بعد از اراضی حاصلخیز اردکان، عبور نموده به عقدا رسیدیم، جوزافا باربارو ظاهراً همین عقدا را «کرد» نامیده و طایفه‌ی ابراهیمی نیز سادات محل هستند که پارسی‌ها را از اقوام خود می‌دانند. چون جوزافا باربارو از اردکان که از مراکز مهم سابق پارسی‌ها بوده است، عبور نموده، احتمال می‌رود که زرتشتی‌ها را در عقدا ملاقات کرده باشد و چرا آن‌ها را ابراهیمی نامیده معلوم نیست، جز این که بگوییم، زرتشتیان پیغمبر خود را با ابراهیم منطبق می‌کنند. نوشته‌های دستور (روحانی زرتشتیان) ترک آباد، واقع در ناحیه‌ی اردکان، فعلاً در شهر بمبئی در بایگانی نگهداری می‌شود. دین زرتشتی تا اوایل قرن نوزدهم میلادی، در این حوالی شیوع داشته و در این ایام فقط در شریف آباد رایج است. مقبره‌ی معروف به بانوی فارس، مادر یا دختر یزدگرد شهریار در همین حدود است (ژنرال سایکس، ۱۲۸۱: ۱۷۶).

آثار تاریخی شهرستان اردکان

آثار تاریخی، علاوه بر شهر اردکان، در بخش‌های مختلف این شهرستان نیز به چشم می‌خورد که در اینجا تنها به‌عنوان نمونه، آثار تاریخی بخش *عقدا* بررسی می‌شود: در راه نائین به یزد، به فاصله‌ی ۷۴ کیلومتری از نائین، نخستین آبادی بزرگ عقداست که نامش در کتاب‌های تاریخ یزد برده شده و همواره سرحدّ و حدّ فاصل میان نائین و یزد شمرده شده است. عقدا از مضافات و توابع یزد است و احداث آن را به «عقدار» نامی از سرهنگان یزدگرد منسوب دانسته‌اند.

صاحب *جامع مفیدی* نوشته است: «... و او را سه سرهنگ بود ... و عقدا در بیست فرسخی یزد، فغانی جاری کرد و قلعه و دیهی ساخت و آن را به عقدار مرسوم نمود»، و خود مطلبی است که از *تاریخ یزد جعفری* و *تاریخ جدید یزد* اخذ شده است. نکته‌ی تازه‌ای که در *تاریخ جدید یزد* دیده می‌شود، این است که می‌نویسد: «و عقدار، عقدا بساخت که به ده گبران مشهور است». یاقوت در *معجم البلدان* عقدا را به‌صورت «عقده» (به ضم اول) آورده و گفته است: «مدینه فی طرف المفازة قرب یزد من نواحی فارس» (حموی، ۱۳۸۳: ۳/۶۹۵ و ۴/۷۱۱).

در مسالک و ممالک اصطخری (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۸) و احسن التقاسیم مقدسی (مقدسی، ۱۳۸۵: ۴۸۸) و صورة الارض ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۰۳ و ۲۸۹) در دو مورد نیز «عقده» ضبط شده است.

اطراف دهستان عقدا، بیست ده قرار دارد که عده‌ای در پهنه‌ی بیابانی و عده‌ای در دامنه‌ی کوه‌های نزدیک به آن است. جمعیت عقدا را شش هزار نفر شمرده‌اند.

رباط حاجی ابوالقاسم رشتی

رباط یا کاروان‌سرای بزرگ و خوش طرح و آجری‌ای، در وسط آبادی و بر کنار شاهراه بنا شده و از آثاری است که چون آن را به شکل و ترتیب رباط‌های شاه عباسی ساخته‌اند، جلب توجه می‌کند. رباط دارای بادگیر بلندی است که از فاصله‌ی دور مشخص کننده‌ی آبادی است. در صفه‌ی شمال، روبه‌روی در ورودی، تخته سنگی به خط نستعلیق به دیوار نصب شده که نام واقف و نام بانی در آن ذکر شده است؛ بدین عبارت:

«هو الواقف علی السراء... و بعد وقف نمود قربه الی الله جناب سعادت مآب حاجی ابوالقاسم تاجر رشتی این رباط را برای انتفاع مترددین بنحو متعارف و برای حیات خاکروبه و محله آنجا که مضر انتفاعات مسلمانان نشود... و کان ذلک فی المحرم الحرام من شهور سنه ۱۲۶۲» (افشار، ۱۳۴۱: ۷۵).

مسجد هلاکو

این مسجد از آجر بنا شده و دارای دو طبقه است و هر طبقه منحصراً یک اتاق دارد. در سال‌های اخیر سقف و پیکرش فرو ریخته، ولی اخیراً آن را تعمیر کرده‌اند و سنگ تاریخ آن را که مدتی از محل خارج نموده بودند و در خانه‌ای نگاهداری می‌گردند، مجدداً در بنا نصب شده است (همان، ۳۵).

ابنیه و آثار تاریخی دیگر در عقدا

سنگ آب انبار پایین کوچه و مسجد جامع و حمام نو کلک حسینیه و حصر خواجه نصیر قلعه‌ی سام مسجد شمس رباط نارستان و... .

شهر اردکان

اردکان، یکی از بخش‌های بزرگ یزد است که مرکزش اردکان نام دارد و بر سر جاده‌ی اصفهان به یزد، در شصت کیلومتری یزد واقع شده است. از موقعی که جاده‌ی کنونی اردکان

ایجاد شد، رونق و آبادانی یافت و به صورت شهر کوچکی در آمد. میان اهل محل شایع است که آبادی قدیم اردکان در محلی به نام «زردک» قرار داشته است که امروز خراب است و آثار ویرانه‌ی آن دیده می‌شود.

همچنین می‌گویند که بهاء‌الدین آباد واقع در شمال اردکان، وقف نامه‌ای داشته که آبادی آنجا را مربوط به هفتصد سال پیش و حدّ جنوبی آن را میبید معین می‌کرده است (افشار یزدی، ۱۳۷۴: ۱/۵۵).

آثار قدیمی و تاریخی‌ای که در شهر اردکان موجود است، بدین شرح معرفی می‌شود:

زردگ

از مسجد کچیب تا قریه‌ی زردگ حدود نیم ساعت راه است. از میان کشتخوان‌های کچیب علی آباد، کمال و چهاربازار باید گذشت. ولی اگر بخواهیم از اردکان مستقیماً به این قریه برویم، باید از انتهای خیابان آیت الله خامنه‌ای که محلّ دروازه‌ی کوشکنو است، به طرف شمال حرکت کنیم و از کشتخوان‌های چهار بازار و کمال باید بگذریم و از بستر دو رودخانه‌ی خشک که گاهی در وسط کویر پیچ و خم مختصری دارد، به این قریه برسیم. در طول راه، آب انباری هست که با آب باران پر می‌شود و با دست می‌توان از منبع آن آب برداشت. مساحت آن حدود ۳×۵ متر است. (عده‌ای قدمت زردگ را با احمدآباد در یک ردیف می‌دانند و می‌گویند هر دو زردشتی‌نشین بوده است). از دخمه‌های مربوط به ساکنان زردشتی این مناطق، سه دخمه است، که یکی در کشتخوان دیلم (dilom) و دیگری حدود چاه نیمه عمیق استاد علی اصغر وزیر (چاه مجد) قرار داشته و دخمه‌ی سوم حول و حوش دو دخمه‌ی دیگر بوده است. هم اکنون تنها دخمه‌ی ویژه‌ی زردشتیان اردکان، در حاشیه‌ی کشتخوان الله آباد قرار دارد.

کچیب

به نقل از صاحب جامع مفیدی، «کچیب» قریه‌ای در حوالی اردکان بود که چشمه‌ای کم آب داشت و در تصرف و ملکیت زنی مجوسی به نام «شیرین» بود.

کچیب که اسم اصلی آن «قنات شیرین» است و امروزه کشتخوانی واقع در شمال شرق اردکان قرار دارد که از آب قنات شیرین بهره می‌گیرد و هنوز مختصری از کشتخوان دایر است و با دو حلقه چاه عمیق مشروب می‌شود.

در مورد تاریخ احداث این مسجد، تنها همین سند به دست آمده که بنا بر آن، در آن قریه، مسجدی ساختند و یکی از مسلمین در شهر سنه ۷۱۱ (احدی عشر و سبع مائه) دو عدد زیلو، در کمال رنگینی و نفاست در آنجا گسترده و تا غایت که پنج عام از سنه ۸۱۰ ثمانین و الف هجره گذشته، در غایت پاکیزگی است و مؤمنین بر بالای آن، آداب فرایض یومیّه قیام می نمایند (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۷۲۴-۳/۷۲۶).

مسجد جامع شهر

مسجد جامع شهر، کنار بازار و در محله‌ی قدیمی واقع و از سده‌ی دهم هجری قمری به‌جا مانده است. یکی از زیلوهای قدیمی آن، مورخ ۱۰۳۸ هجری قمری است. مسجد خصوصیتی از حیث کاشی‌کاری و گچ‌بری و تزیینات ندارد. در بزرگ ورودی آن چوب‌کاری است، با قطعاتی به شکل مخمس که اخیراً روی آن را با رنگ پوشانیده‌اند. بر روی دماغه‌ی دست چپ در، هشت قطعه فلز، به شکل مربع کوبیده شده بوده است که فعلاً چهار قطعه در قسمت فوقانی باقی است. بر این قعطات فلزی کلمه‌های «الله، محمد» به خط کوفی کنده‌کاری شده است (افشار یزدی، همان: ۵۸).

مسجد زبرده

مسجدی کوچک است که ظاهراً در اوایل سده‌ی دهم هجری قمری در محله‌ی زبرده بنا شده و قدیمی‌ترین مسجد اردکان است و آن را مسجد سفلی هم گفته‌اند. بر در ورودی قسمت تابستانی آن که دری ساده است، این جمله به خط نسخ کنده شده است:
(لنگه‌ی راست): «وقف کرد این در را قربه‌الی الله قاسم حاجی جلال».
(لنگه‌ی چپ): «این در را بر مسجد زیرقریه اردکان - سنه ۹۸۹» (همان‌جا).

مسجد کچیب

آثار مسجدی است در کشتخوان کچیب (Kachib)، در یک کیلومتری اردکان که فعلاً چهار دیوار حیاط و مختصری از بنای مسجد آن دیده می‌شود و با وجود ویرانگی، بیش از سیصد سال قدمت ندارد. میان اهل محل روایت است که از این مسجد به‌وسیله‌ی نقبی به میبد، و از طریق نقبی دیگر به زردک (Zardok) راه بوده است (همان، ۵۹).

حسینیه‌ی بازار نو

این حسینیه (تکیه) با جلالی خاص در کنار خیابان فرح قدیم (بلوار آیت الله خامنه‌ای کنونی) واقع است. با ایجاد خیابان، قسمتی از بدنه‌ی شمال آن بریده شده است. بدنه‌ی جنوبی حسینیه، غرفه‌هایی در سه طبقه دارد و مختصر کاشی کاری شده است. در وسط حسینیه، گلک آجری زیبایی دیده می‌شود (همان، ۶۰).

منظرپه

حیاط و بنایی است به شکل مثنی (هشت ضلعی)، در جنب حسینیه‌ی علی بیک که متناوباً چهار ضلعش دو متر و نیم و چهار ضلع دیگر یک متر است و در کنار آن محلی که نظر کرده دانسته‌اند، اتاقی در دو طبقه بنا شده است که بنابر کتیبه‌ی کاشی آن، ساخته‌ی سال ۱۳۱۷ هجری قمری است.

حوض عباس

بنای «حوض عباس» را جدیداً ساخته‌اند و اثری از آثار قدیم آن مشهود نیست. محلی نظر کرده است. اتاقی در دو طبقه بنا شده است که بنابر کتیبه‌ی کاشی آن ساخته‌ی سال ۱۳۱۷ هجری قمری است (همان‌جا).

باغ ملی

باغ ملی اردکان در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در گورستان قدیم شهر بنا شد. آقای بیگلر بیگی شهردار پیشین اردکان، در احداث و آب انداختن به این باغ همکاری زیادی کردند. مساحت باغ هجده هزار متر مربع است و آب باغستان، آن را مشروب می‌کرد. باغ، دارای دو در ورودی است. یک در شمالی که به خیابان اصلی و روبه‌روی دروازه‌ی بازار نو باز می‌شود، و در شرقی که به خیابان دبیرستان شرف راه دارد. باغ، دارای یک خیابان اصلی هشت متری است که از میان آن، آب نیلی جریان دارد و دو طرف آن به نحو زیبایی گل کاری شده است. درختان حاشیه‌ی خیابان، از نوع خرما و کاج است و در زمین‌های باغ، درختان انار غرس شده است (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۲۱۰).

بازار اردکان

بازارها (بازار قلعه، بازار کشکنو، بازار حاج محمدحسین) که شاه‌رگ اقتصادی شهر هستند، مایحتاج مردم را تأمین می‌کنند. هرکس که به قصد خرید، خانه‌ی خود را ترک کند، با صرف

کمترین وقت، به بازار می‌رسد و آنچه را که نیاز دارد، می‌خرد. بازار اردکان، مجموعه‌ای از مغازه‌ها، کاروان‌سرا، مسجد، آب انبار، ورزشگاه و حمام بود و از هر نظر مشتری و خریدار در رفاه بودند. یکی از مزایای عمده‌ی بازار، یکسانی و تعادل نرخ اجناس بود و مشتری با ملاحظه‌ی اندک اجحاف، گران فروش را با نخریدن ادب می‌کرد.

بازار، مرکز خبر رسانی بود و جارچی همه را از کم و کیف وقایع شهر با خبر می‌کرد. اگر کسی خلاف یا خطایی می‌کرد که مستوجب کیفر بود، زیر چهارسوق در انظار دیگران او را تنبیه می‌کردند (همان، ۲۱۳).

آسیاب دژگ (dozzog)

این آسیاب در محله‌ی قلعه‌ی سیف واقع بود و مرحوم حاج حسنعلی کارگر درباره‌ی این آسیاب چنین گفت: «اردکان چندان آب نداشت، آب مورتین را از متولی امیرچقماق یزد به اردکان آوردند و آسیاب را دایر کردند.

درباره‌ی وجه تسمیه‌ی این آسیاب، توضیح دادند که احتمال دارد در اصل آسیاب دژگ (دژگ: dežog) بوده باشد که به مرور ایام و برای سهولت امر بدین صورت تحریف شده است. دلیل ایشان مجاورت آسیاب با قلعه‌ی سیف است و چندان هم بی‌مورد نیست (ایرج افشار یزدی، همان: ۲۱۵).

نتیجه‌گیری

اردکان در گذر تاریخ توانسته است تمدن اسلامی را در خود رشد دهد. آثار اسلامی مهمی، در دوره‌های مختلف - به خصوص در دوره‌ی صفویه - به وجود آمده که از افتخارات تمدن اسلامی است. بنابر پژوهش‌های به عمل آمده، اطلاعات مربوط به شهرستان اردکان، از منابع تاریخی کهن به دست نیامده و اطلاعات موجود توسط افراد علاقه‌مند به پژوهش در مورد پیشینه‌ی تاریخی شهر خود گردآوری شده؛ از این‌رو لازم است مطالعات تخصصی بیشتری توسط افراد کارشناس در زمینه‌ی تاریخ باستان صورت گیرد و از آنجا که اطلاعات موجود از روی منابع محدودی جمع‌آوری شده، نیاز به مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی وضعیت تاریخی و آثار باستانی شهرستان احساس می‌شود و لذا حفاری کارشناسان باستان‌شناسی در مورد پیشینه‌ی تاریخی این شهر، به شناختن صحیح و عمیق تاریخچه‌ی آن کمک می‌کند و مطالعه در متن‌های تاریخی‌ای که توسط مستشرقان بزرگ نگاشته شده، کمتر انجام شده است و از این رو بررسی بیشتر در منابع خارجی و لاتین ضروری است.

مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی واژه‌ی «ارتاکاوا» که بطلمیوس در کتابش از آن نام برده است، می‌تواند اطلاعات بیشتری در مورد تاریخ پیدایش شهر به ما ارائه دهد و این مهم باید دست کم توسط دانشجویان تاریخ صورت گیرد.

به‌رغم مطالعات اندک و زمان کم نگارنده و عدم دسترسی به منابع دست اول، اطلاعات جدیدی در این زمینه به دست آمده است. از جمله این که در کتاب *المسالک و الممالک اصطخری*، با این که از این شهر ذکری به میان نیامده است، اما در نقشه‌ی مربوط به مناطق مرکزی ایران، نام اردکان که با حروف بدون نقطه نوشته شده است، به چشم می‌خورد که به این مطلب در هیچ یک از منابع مورد بررسی اشاره نشده است؛ که این موضوع تاریخ شهر اردکان را به سده‌ی چهارم هجری قمری برمی‌گرداند؛ در صورتی که در سایر منابع، نخستین بار در سده‌ی هفتم هجری قمری از اردکان نام برده شده است.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. ابن حوقل. ۱۳۴۵، *صورة الارض*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲. اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم. ۱۳۴۰، *مسالک و ممالک*، تصحیح ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. افشار، ایرج. ۱۳۷۴، *یادگارهای یزد، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی*، ج ۱، چ ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. جوینی، عطاءملک. ۱۳۸۵، *تاریخ جهانگشا*، تصحیح محمد قزوینی، ج ۳، چ ۱، تهران، انتشارات دستان.
۵. حموی، یاقوت. ۱۳۸۳، *معجم البلدان*، ج ۳، تهران، انتشارات خوارزمی.
۶. خرماشاهی، بهرام. ۱۳۸۰، *دایرة المعارف تشیع*، ج ۲، تهران، انتشارات شهید سعید محبی.
۷. دزفولیان، کاظم. ۱۳۸۷، *اعلام جغرافیایی در متون ادب فارسی تا پایان قرن هشتم*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۸. رزم آرا، حسنعلی. ۱۳۲۸، *فرهنگ جغرافیایی ایران*، ج ۷، تهران، چاپخانه سازمان جغرافیایی کشور.
۹. رستگار فسایی، منصور. ۱۳۷۹، *فرهنگ نامهای شاهنامه*، ج ۱، [ابی‌جا]، [ابی‌نا].
۱۰. رضویان، محمدتقی. ۱۳۶۱، *حوضه‌های روستایی شهرستان اردکان*، ج ۱، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. ژنرال سایکس، سرپرسی. ۱۲۸۱ م، *ده هزار میل در ایران (سفرنامه سایکس)*، [ابی‌جا]، [ابی‌نا].

۱۲. سپهری اردکانی، علی. ۱۳۶۴، *تاریخ اردکان*، ج ۱، اردکان، کانون کتاب ولی عصر اردکان.
۱۳. سعیدیان، عبدالحسین. ۱۳۸۳، *شناخت شهرهای ایران*، چ ۲، تهران، انتشارات علم و زندگی.
۱۴. شهردان، رشید. ۱۳۳۶، «پرستشگاه‌های زرتشتیان»، *نشریه سازمان جوانان زرتشتی*.
۱۵. طباطبایی اردکانی، محمود. ۱۳۸۱، *فرهنگ عامه اردکان*، چ ۱، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. قهرمانی، ابوالفتح. ۱۳۷۵، *یزد نگین کویر*، یزد، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. مستوفی بافقی، محمد. ۱۰۹۰م، *جامع مفیدی*، ج ۳، [ابی جا]، [ابی نا].
۱۸. مقدسی، محمد بن احمد. ۱۳۸۵، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، انتشارات کومش.
۱۹. مهاجر، علیرضا. ۱۳۳۹، *زیر آسمان کویر*، تصحیح محمد جعفر محجوب، چ ۱، تهران، انتشارات سازمان کتابهای جیبی.
۲۰. ویلیامز جکسن، ابراهام. ۱۳۵۲، *ایران در گذشته و حال*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات خوارزمی.

ب. مجله‌ها و روزنامه‌ها

۱. آرشیو *روزنامه کیهان*، ۱۳۶۷/۱۰/۳.
۲. *نشریه مجتمع معدنی سنگ آهن چادرملو*، ش ۹۰۴، اسفند ۱۳۸۴.